

دختری از دورترین نقطه مرزی

مؤلف: سارا رحیمی

خالصه است، اقدس محمدزاده بانوی امدادگر

دران دفاع مقدس



اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس خراسان شمالی

سرشناسه: محمدزاده اقدس، ۱۳۴۳-

عنوان و نام پدیدآور: دختری از دورترین نقطه مرزی: خاطرات اقدس محمدزاده بانوی امدادگر دوران دفاع مقدس / مولف سارا رحیمی؛ [برای] اداره کل حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس خراسان شمالی؛ ویراستار زهرا داوری. مشخصات نشر: بجنورد: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، اداره کل حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس استان خراسان شمالی، نشر معبر، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۸۲ ص.: مصور (رنگی)؛ ۱۴/۲۱×۵/۵ س.م.

شابک: ۱۰۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۲۲-۰۸-۹۹۵-۷

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

عنوان دیگر: خاطرات اقدس محمدزاده بانوی امدادگر دوران دفاع مقدس

موضوع: محمدزاده اقدس، ۱۳۴۳ - خاطرات

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - زنان - خاطرات

موضوع: Iran-Iraq War ۱۹۸۰-۱۹۸۸ -- Women -- Diarries

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - امدادرسانی

موضوع: Iran-Iraq War ۱۹۸۰-۱۹۸۸ -- War women

شناسه افزوده: رحیمی، سارا، ۱۳۶۰-

شناسه افزوده: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، اداره کل حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس استان خراسان شمالی، نشر معبر

رده بندی کنگره: ۳۳۰/۳۱۳۹۷۲۵۵

رده بندی دیویی: ۰۸۴۳۰۹۲/۹۵۵



دختری از دورترین نقطه مرزی / خاطرات خانم اقدس محمدزاده بانوی امدادگر دوران دفاع مقدس / اداره کل حفظ

آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس خراسان شمالی

ویراستار: زهرا داوری

طراح جلد: داریوش درگزلی

صفحه آرا: فاطمه قربانی

ناشر: معبر

سال و نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷

تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۸-۹۹۵-۷

فهرست

۵	تقدیم به
۹	مقدمه
۱۱	فصل اول اجازت‌های باور نکردنی
۲۳	فصل دوم لذت روزی
۳۳	فصل سوم نقطه عمار
۶۵	فصل چهارم انقلاب زندگی
۷۷	تصاویر

مقدمه

هشت سال جنگ گرچه ظاهر حشن و عصیانگری دارد، آسیب‌های شدیدی به همراه آورد. عزیزان زیادی به مرگ منتهی شدند، و آن سال‌ها انسان‌هایی تربیت شدند که ذخیره شد برای عصرهای بعد، آن‌هایی افتاد که درس‌های بزرگی شد برای قرن‌ها بعد... چنان‌که در آن روزها حضرت امام خمینی (ره)، مراد جوانان، فقط در وصف فداکاری‌های بانوان سرزمینم فرمودند:

«اینجانب در طول این جنگ صحنه‌هایی از مادران، خواهران و همسران عزیز از دست داده دیده‌ام که گمان ندارم در غیر این انقلاب نظیری داشته باشد. این عظمت اسلام است که در چهره زنان انقلابی ما آشکار شده است و امروز بمدافع آشکار است.»

این، داستان زندگی سرکار خانم اقدس محمدرزاده است؛ دختر هفده ساله‌ای که به عشق خدمت به میهنش راهی مناطق جنگی می‌شود؛ در حالی که هم‌زمان با او برادرانش هم در مناطق دیگری از جبهه حضور دارند. عجیب آنجاست که در آن

هنگامه ترسی به دل نداشتند، سراسر شور بودند و نشاط. آیا دستی همراه آن‌ها بود که در اتفاقات تکان‌دهنده آن روزگار، دل آرامی داشته باشند؟

این خاطرات برای امثال من که روزهای جنگ را ندیدم و از آن روزها تنها چند تصویر ضبط‌شده به خاطر دارم عبرت‌آموز است. این روزها که سایه شوم جنگ بر سر سایر کشورها افتاده، وقتی مردمی را که هراسان به نقاط امن فرار می‌کنند می‌بینم تنها می‌توانم بگویم رمز پیروزی ما جنگیدن با دست‌های خالی و امید به تنها عدالت-گستر جهان بود.

اقدس محرابه در اولین لحظه ثبت‌نام تا ایام یک ماهه حضور در نزدیک‌ترین بیمارستان به خیمه مقدس و تا آخرین روز بازگشت، حتی لحظه‌ای از آمدن پشیمان نبود. این یعنی مدام الا من انعم الله علیه. بله، این از احوال غیورمردان و شیر زنان سرزمین ما در دوران دفاع مقدس بود. به امید بتلای پرچم اسلام بر بلندای هستی به دست عالم قطب امکان، عدالت‌گستر جهان، حضرات معصومین (عج).

رفتن به جهاد نفس راهی ست بزرگ از جبهه گریختن گناهی ست بزرگ
ما بر سر پست انقلابیم اکنون خفت بر سر پست اشتباهی ست بزرگ